

مناقشات فقهی تشکیل بانک اسپرم

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۷

محمدحسین رحمتی^۱*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۳

نرجس نظری نوله^۲

DOI: 10.30497/FLJ.2023.243742.1849



چکیده

امروزه ذخیره‌سازی اسپرم در بانک‌های مخصوص این کار به‌منظور اهدای آن به زوج‌های نابارور یا به‌منظور بهره‌گیری آن برای صاحب اسپرم در زمان بروز حوادثی که درصد باروری وی کاهش می‌یابد، تشکیل می‌شود. ایجاد و فعالیت این بانک‌ها در کشورهای اسلامی، مورد مذاقه و مناقشات فقهی از سوی برخی اندیشمندان قرار گرفته است؛ از جمله آنکه آیا دادوستد اسپرم، با توجه به نجاست و عدم مالیت آن و دریافت مبالغ فراوان در قبال واگذاری آن به این بانک‌ها، صحیح است؟ آیا اهدای اسپرم بیگانه به زوج‌های نابارور، موجب تضییع حق هویت و از بین رفتن نسب کودکان متولد از این اسپرم‌ها نیست؟ ذخیره‌سازی اسپرم و تزریق آن به رحم بیگانه یا تزریق آن به رحم همسر، بعد از وفات صاحب اسپرم، آیا با اصول و قواعد حاکم در فقه شیعه سازگاری دارد؟ پژوهش حاضر که با روش تحلیلی و توصیفی به بررسی این مناقشات پرداخته، چنین نتیجه گرفته است که اولاً با وجود منافع محله و عقلایی در اهدای اسپرم، مانعی در دادوستد آن نیست، همان‌طور که اهدای آن به زوج‌های نابارور سبب گم شدن نسب کودکان متولد از این روش‌ها و نیز تضییع حق هویت آنان نمی‌باشد. ثانیاً تزریق اسپرم به رحم بیگانه یا رحم همسر بعد از وفات صاحب اسپرم، حرمت تکلیفی ندارد و هیچ‌یک از مناقشات پیش‌گفته به‌لحاظ فقهی، مانعی برای ایجاد بانک اسپرم و بهره‌وری از آن نمی‌باشد.

کلیدواژه‌ها

دادوستد اسپرم، بانک اسپرم، اسپرم بیگانه، حق هویت.

۱. (نویسنده مسئول) دانش‌آموخته سطح چهار فقه خانواده حوزه علمیه قم، قم، ایران.

mh.rahmati1364@gmail.com

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فیزیولوژی جانوری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، قم، ایران.

mn.nazari1364@gmail.com

مقدمه

هم‌زمان با گسترش و پیشرفت‌های دانش بشری و ظهور تکنولوژی‌های جدید در حوزه علوم تجربی، مسائل و پرسش‌های پیچیده و فراوان فقهی در این زمینه پدیدار گشته است که راه‌حلی مناسب و قوانین و مقررات خاصی را می‌طلبد تا مانع بروز هر چه و مرجع در اجتماع انسانی گردد. یکی از این موضوعات نوپیدا که محصول بسط و تعالی دانش پزشکی در عصر کنونی است، تشکیل بانک اسپرم می‌باشد. بانک اسپرم مکانی برای نگهداری و ذخیره‌سازی اسپرم به صورت منجمد برای مدت طولانی است. با افزایش میزان ناباروری، استفاده از فناوری‌های مربوط به باروری همچون لقاح مصنوعی و «آی وی اف»^۱ از سوی زوج‌ها، به‌منظور دستیابی به رؤیای بچه‌دار شدن، هر روز بیشتر می‌شود. تقاضای روزافزون نسبت به این فناوری‌ها منجر به افزایش بانک‌های اسپرم و ذخیره‌سازی اسپرم شده است.

بانک اسپرم که به آن سایروبانک نیز گفته می‌شود، تجهیزاتی است که اسپرم انسان را جمع‌آوری، منجمد، ذخیره و نگهداری می‌کند. اسپرمی که در بانک اسپرم نگهداری می‌شود، یا به منظور اهدا به زوج‌های نابارور و استفاده در روند لقاح مصنوعی به کار گرفته می‌شود، یا به‌منظور استفاده‌های آتی خود فرد، ذخیره می‌گردند. مواجهه فقیه با انواع این روش‌ها سبب برانگیخته شدن پرسش‌های متفاوت و مناقشات فقهی فراوانی گردیده است؛ از جمله این مناقشات عبارت است از: قرارداد اهدای اسپرم به زوج‌های نابارور به‌لحاظ حقوقی از چه ماهیتی برخوردار است؟ رویکرد فقها به موضوع اهدای اسپرم و تشکیل بانک اسپرم چگونه است؟ مبانی مشروعیت و مستندات جواز تشکیل چنین بانک‌هایی چیست؟ نیز تشکیل بانک و نگهداری اسپرم برای استفاده همسر یا دیگران از نظر فقهی چه حکمی دارد؟ در مواردی که عملیات باروری نیازمند اسپرم شخص دیگری است، آیا دادوستد اسپرم در این صورت جایز است یا خیر؟ باروری غیرطبیعی و تولد بر اساس دریافت اسپرم از این بانک‌ها، با توجه به اصول و قواعد فقهی، پذیرفتنی است یا خیر؟

با توجه به پرسش و مناقشات یادشده، تبیین مبانی فقهی تشکیل بانک اسپرم و نیز مبانی مشروعیت استفاده از اسپرم موجود در این بانک‌ها در روش‌های نوین فرزندآوری، جهت آگاهی از دیدگاه اندیشمندان فقه و نیز آگاهی از مشروعیت و عدم آن برای افرادی که خواستار استفاده از این شیوه‌ها هستند، ضرورت دارد. گفتنی است با توجه به اینکه این موضوع در مباحث کتب فقیهان متقدم طرح نشده و از موضوعات مستحدثه عصر حاضر است، طبیعی به نظر می‌رسد که حل این معضل با کشف اصول و قواعد منطبق بر این دستاورد جدید علمی، میسر خواهد بود تا بتوان از افول زندگی همسران نابارور و از گسستن حلقه عاطفی آنها جلوگیری کرد و از نتایج حاصل، در جهت وضع قوانین بهره جست.

در انجام این مهم، مقالات و کتبی از سوی اندیشمندان حوزه فقه و مطالعات اسلامی پدیدار شده است که به‌عنوان نمونه، می‌توان به بررسی فقهی تلقیح مصنوعی نوشته محمدجواد فاضل لنکرانی و نیز مشکلات مهم تلقیح مصنوعی اثر آیت‌الله مکارم شیرازی اشاره کرد. همچنین مقاله «باروری مصنوعی» اثر عباس نایب‌زاده و «آثار حقوقی تلقیح مصنوعی» نوشته سید علی قزوینی و آثار بسیار دیگری به بعد و جنبه خاصی از موضوع محل بحث پرداخته‌اند. اما موضوع تشکیل بانک اسپرم را فقط سید محسن مرتضوی در مقاله «نگهداری اسپرم و بهره‌برداری از آن در فقه امامیه» به رشته تحریر درآورده است که براهین وی در حرمت شرعی انتقال اسپرم بیگانه به رحم زن و برخی مستندات او در پاسخ به مناقشات تشکیل بانک اسپرم، مورد پذیرش نویسنده مقاله حاضر نیست.

نوشتار پیش‌رو پس از بیان چرایی عملیات فریز اسپرم در بانک‌های اسپرم، ایرادات فقهی تشکیل بانک اسپرم را (که مربوط است به بیع اسپرم، حق هویت کودکان متولد از اسپرم‌های ذخیره‌شده در این بانک‌ها و نیز حرمت تکلیفی استفاده از اسپرم بیگانه یا استفاده از آن برای همسر پس از وفات صاحب اسپرم) ذکر می‌کند و با استفاده از اصول و قواعد مورد استفاده در استنباط احکام، به بررسی و پاسخ به مناقشات و پرسش‌های یادشده خواهد پرداخت.

۱. فریز اسپرم

فریز مؤثرترین روش نگهداری طولانی‌مدت اسپرم است (نصر اصفهانی، ۱۳۹۶، ص ۱۱) امروزه فریز اسپرم — به‌ویژه در افراد مبتلا به سرطان (روستا، ۱۳۹۹)، گونه‌های جانوری در معرض

انقراض، تکنیک‌های کمک باروری، حفظ باروری و فعالیت‌های تحقیقاتی — استفاده می‌شود (احمدی، ۱۳۹۹، ص ۱۵). فریز اسپرم با هدف ذخیره‌سازی اسپرم‌ها به‌عنوان یکی از فناوری‌های درمانی به‌روز برای آقایانی که به هر دلیلی لازم است قدرت باروری‌شان حفظ شود، در نظر گرفته می‌شود.

باروری مردان از سوی عوامل مختلفی تهدید می‌شود. در واقع، ذخیره اسپرم این اطمینان را به فرد می‌دهد که در صورت بروز هرگونه اتفاقی، او می‌تواند در زمانی که تمایل دارد، پدر شود (رضایی، ۱۳۹۹، ص ۳). به‌عنوان نمونه، سن یکی از عوامل اصلی در کاهش تعداد اسپرم و کیفیت اسپرم است. به همین دلیل، برخی از مردان اسپرم خود را در هنگام جوانی ذخیره می‌کنند تا مطمئن شوند با گذشت زمان، همچنان اسپرم سالم دارند و نیز برخی از سرطان‌ها و درمان‌های مربوط به آن، کیفیت اسپرم و باروری را تهدید می‌کند. بنابراین آن مردانی که با این مشکلات مواجه هستند، می‌توانند پیش از انجام عمل جراحی یا شروع شیمی‌درمانی و پرتودرمانی، اسپرم خود را در بانک اسپرم ذخیره کنند (قطمیری، ۲۰۱۷، ص ۱۰). ذخیره‌سازی اسپرم برای زوج‌هایی که قصد بارداری از طریق فناوری‌های باروری دارند، بسیار مفید و کمک‌کننده است. ذخیره‌سازی اسپرم در بانک اسپرم این اطمینان را ایجاد می‌کند که در هنگام انجام روند باروری، اسپرم کافی برای استفاده وجود خواهد داشت.

۲. بررسی مناقشات

پس از ذکر چرایی تشکیل چنین بانک‌هایی، به نقل و بررسی آرای فقهای پرداخته می‌شود که ایجاد و فعالیت این مکان‌ها را در کشورهای اسلامی مغایر با اصول و قوانین فقهی دانسته، با استناد به آیات و روایات، مناقشاتی را بیان می‌نمایند که در زیر، عنوان می‌شوند.

۲-۱. بیع اسپرم

مناقشه اول: اولین مناقشه در مورد تشکیل بانک اسپرم، موضوع بیع اسپرم، نجاست منی (علم‌الهدی، ۱۴۱۵ق، ص ۹۶) و حرمت تکلیفی معامله با اعیان نجسه است. این نوع معاملات که به تصریح فقها، باطل و اخذ ثمن در قبال آن سحت می‌باشد (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۵۸۹؛ موسوی خمینی، ۱۳۹۱، ص ۳۱۳)،

حرمت تکلیفی نیز دارند؛ به این معنا که نفسِ دادوستد اعیان نجسه، امری منهی و مخالف فرامین الهی است. شیخ انصاری در کتاب مکاسب می‌نویسد: ایرادی در حرمت خرید و فروش منی به لحاظ نجاستش نمی‌باشد (۱۳۹۲، ص ۲۹).

در پاسخ به مناقشه فوق، باید گفت: مجرد اینکه مبیع از اعیان نجس باشد، سبب فساد دادوستد نیست و نجاست به‌خودی‌خود، مانع صحت معامله نمی‌گردد (اردبیلی، ۱۳۷۹، ج ۸، ص ۳۵؛ محسن حکیم، بی‌تا، ج ۲، ص ۶)؛ بلکه صحت آن دایر مدار وجود منفعت عقلایی محلل است. از این رو، اگر مبیع دارای منافع عرفی یا شرعی باشد، معامله آن صحیح است و در غیر این صورت، اکل مال به باطل به شمار می‌آید (حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۶۵). شیخ انصاری نیز با اینکه ابتدا هر آنچه را که بخشی از مصارف آن مورد نهی قرار گرفته، سبب حرمت دادوستد آن شیء معرفی نموده است (۱۳۹۲، ج ۱، ص ۷) و نجاست را به دلیل نهی از اکل و شرب یا برخی دیگر منافع آن، مانع صحت بیع دیده، سرانجام به این نتیجه رسیده که مجرد نجاست نمی‌تواند مانع صحت بیع گردد؛ چرا که وجود منفعت محلله برای صحت بیع کافی است (۱۳۹۲، ج ۱، ص ۴۴).

برداشت امام خمینی نیز از کلمات فقها در این رابطه آن است که حرمت معامله اعیان نجسه، دایر مدار عدم جواز انتفاع و بهره‌برداری از آن است (موسوی خمینی، ۱۳۷۳، ص ۴۱). لذا اگر منفعت محلله و عقلایی در اعیان نجسه قابل تصور بود، دادوستد آن جایز است (خزائلی، ۱۴۰۰، ص ۶)؛ همان‌طور که در عصر حاضر، در مورد بسیاری از اعیان نجسه (مثل خون و فضولات انسانی)، بهره‌مندی از این منفعت عقلایی امکان دارد. بنابراین ممنوعیت معامله اشیا به‌طور مطلق نیست و در مواردی، ادله حرمت و ممنوعیت ناظر به منفعت و استفاده متعارف و رایج آن زمان بوده است و این ادله شامل منافع و استفاده‌هایی که در زمان‌های بعدی و در زمان حاضر از آن اشیا می‌شود، نمی‌گردد (خویی، ۱۳۷۵، ص ۱۵۰) و در نتیجه، هرگاه شیئی دارای منفعت یا منافی باشد و بتوان از آن منافع، منتفع شد، مادامی که شارع صراحتاً منفعت یا منافع مزبور را ممنوع اعلام نکرده باشد، خرید و فروش آن به لحاظ آن منافع، منع شرعی ندارد و در

این امر، نیازی به احراز عدم منع شارع وجود ندارد؛ بلکه همین مقدار که فقیه با فحص و یأس، به نبود منع شرعی اطمینان حاصل نماید، صحت بیع مزبور را تصحیح می‌نماید؛ چرا که وجود عموماًتی مانند «احل الله البيع» (بقره، ۲۷۵)، «الا ان تکون تجارة عن تراض» (نساء، ۲۹) و «الناس مسلطون علی اموالهم» (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۱۱۶)، برای صحت و برقراری عقد بیع کافی است.

مناقشه دوم: از شرایط دادوستد، مالیت مبیع است (انصاری، ۱۳۹۲، ص ۱۱۰؛ مامقانی ۱۳۱۶، ج ۳، ص ۴۲۴)؛ یعنی بیع در صورتی صحیح است که مثن، مال و ارزش معاوضه در برابر شیء دیگری را داشته باشد؛ در حالی که اولاً شارع اسپرم را به دلیل نجاست از مالیت خارج نموده و حکم شارع در مورد نجاست شیئی، ملازم با عدم احتساب آن به عنوان مال از سوی شارع و عرف متشرعه است (نجفی، ۱۳۹۲، ص ۱۷؛ نایینی، ۱۳۷۳، ص ۳۳۹)؛ ثانیاً ارزش یک شیء به عنوان مال و مالیت آن، بستگی به اعتبار آن نزد عرف و عقلا دارد (شهید اول، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۹۴) و از آنجا که اسپرم در نزد ایشان مالیت ندارد، نمی‌توان به صحت دادوستد آن حکم نمود.

پاسخ: اولاً باید توجه کرد که این مناقشه در واقع همان اشکال اول است که از جهت دیگری، مورد تدقیق قرار گرفته. در مناقشه اول به خود نجس بودن مبیع توجه شده و در مناقشه دوم ملازم این عنوان مورد عنایت بوده است.

ثانیاً حکم شارع به نجاست برخی اشیا ملازم با خروج آنها از مالیت عرفی نیست؛ درست است که استفاد از اعیان نجسه و کاربرد آنها در جهت منافی که شارع منع نموده، حرام و معامله آن باطل است، اما معنای این سخن آن نیست که مالیت اشیا متوقف بر آن است که تمام منافع و موارد استفاده آن شیء، حلال باشد؛ چه بسا برخی اشیا نجس که دارای بسیاری کاربردهای حلال‌اند. لذا نجس بودن شیئی سبب انتفای مالیت و استفاده در جهت حلال آن نیست (خویی، ۱۳۷۳، ص ۴؛ موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق، ص ۹).

ثالثاً اعتبار مالیت به ارزش آن نزد تمام عقلا نیست؛ بلکه مالیت آن نزد متبایعین، سبب اعتبار

و صحت معامله است (ایروانی، ۱۳۸۴، ص ۵). بنابراین مفهوم مال و مالیت به اوضاع و احوال جوامع و نیازها، انگیزه‌ها، امیال و رغبت‌های مردم بستگی دارد و قلت و کثرت منفعت مورد معامله فی نفسه تأثیری در جواز و عدم جواز بیع ندارد. چه بسا فردی حاضر است در قبال برگه کوچکی که نوشته پدرش در آن است و حکم یادگاری پدر از دست‌رفته‌اش را دارد، مبلغ بسیار بالایی صرف کند؛ اگرچه این برگه برای دیگران ارزشی ندارد و پرداخت هزینه در برابر آن را مصداق اتلاف مال بدانند (ابن عابدین، ۱۴۲۳ق، ج ۴، ص ۵۰۱؛ طباطبایی یزدی، ۱۳۷۰، ص ۱۳؛ کاسانی، ۱۴۰۶ق، ج ۵، ص ۱۴۰). بنابراین مالیت شیء به اعتبار منافع محله مقصوده شیء است و نه مطلق منافع و نه به لحاظ فواید محرمه‌ای که مورد نظر واقع نمی‌شوند (انصاری، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۱۹). از این رو، اگر فرض کردیم که در شیئی هیچ فایده محلل و مشروعی که در مالیتش منظور گردد، وجود ندارد، بیعش به طور مطلق نباید جایز باشد (حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۴۶۵)؛ زیرا اطلاق منصرف است به اینکه ثمن در مقابل منافع مقصود از آن بذل شده است؛ در حالی که حسب فرض، منافع مقصوده این شیء، حرام هستند، در نتیجه، گرفتن مال در قبال این گونه منافع، اکل مال به باطل می‌باشد؛ چنان‌که می‌توان بیع را به قصد منفعت نادره محله واقع ساخت و ثمن را در قبال آن بذل کرد (فاضل، ۱۳۹۶، ص ۲۸۹)؛ زیرا قصد این گونه از منافع، موجب آن است که آن شیء مال محسوب شود. بنابراین به نظر می‌رسد دلیلی بر اعتبار مالیت و اینکه معامله تنها در صورتی صحیح است که مبیع از نظر عقلا مال باشد، نداریم؛ بلکه ملاک، عنوان معاوضه است؛ به این معنا که کالایی مشخص تا این زمان، انتساب به بایع داشت، اما اکنون آن را در مقابل شیئی که به مشتری انتساب دارد، معاوضه می‌کند و در معاوضه، مالیت عوض و معوض اعتبار ندارد (خویی، ۱۳۷۵، ص ۴ و ۵).

رابعاً: از آنجا که مالیت یک اعتبار عقلایی است، به حسب تغییر امکان و ازمنه، تغییر می‌کند (حکیم، بی تا، ص ۳۲۵) چه بسا آب باران در مناطق باران‌خیز، ارزشی نداشته باشد، اما در مناطق خشک و کم‌آب در مقابل آن بهایی بسیار پرداخته می‌شود. اسپرم نیز در همه امکانه دارای بار

مالی نیست؛ بلکه ارزش آن در آزمایشگاه‌ها و مراکز ناباروری معلوم می‌شود که زوجین خواهان فرزند، حاضر به پرداخت هزینه‌ای بالا برای خرید آن می‌باشند (منتظری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۹۲). مناقشه سوم: مورد معامله باید متضمن منفعت مشروع باشد (نجفی، ۱۳۹۲، ج ۲۲، ص ۸) و از آنجا که استفاده اسپرم مرد بیگانه برای باروری زن اجنبی جایز نیست،^۱ بر خرید و فروش آن منفعت، حلالی مترتب نبوده و لذا معامله اسپرم باطل و اخذ ثمن در قبال آن حرام است (شافعی‌پور، ۱۳۹۶).

پاسخ: در مورد منفعت محله اسپرم، دو مبنا وجود دارد: برخی استفاده اسپرم مرد بیگانه را برای بارداری جایز ندانسته‌اند (موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ص ۵۹۲؛ گلپایگانی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۷۷؛ فاضل لنکرانی، ۱۳۸۳، ص ۶۰۲؛ وحید خراسانی، ۱۴۲۱ق، ص ۷۷۰). لذا بر خرید و فروش آن منفعت حلالی مترتب نیست و با نفی منفعت مقصوده که همان تزریق در رحم اجنبی باشد، خرید و فروش آن باطل خواهد بود. اما برخی دیگر استفاده از آن را برای تزریق در رحم زن بیگانه جایز می‌شمارند (یزدی، ۱۳۷۷، ص ۹۹). در چنین حالتی و با فرض منفعت محله، خرید و فروش آن برای هریک از زوجین جایز است. درست است که اگر خریدار اسپرم، مرد باشد، انتساب طفل به او منتفی است (خویی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۲۷؛ روحانی، ۱۳۹۲، ج ۲۱، ص ۲۱۷) و از این جهت، منفعتی برای او متصور نیست، اما منفعت منحصر در نسب و طفل حقیقی داشتن نیست؛ بلکه وجود فرزند و تحکیم روابط خانوادگی یکی از مهم‌ترین اهداف فرزندآوری است و این مقصود برای مرد نیز حاصل می‌شود. در مورد زن نیز، حس مادری که از طریق تزریق اسپرم حاصل می‌شود، منفعت عقلایی است که خرید اسپرم بیگانه را توجیه می‌کند.

مناقشه چهارم: اشکال دیگری که در دادوستد اسپرم اجنبی متصور است، آن است که منی و اسپرم از فضولات انسان محسوب می‌شود و انسان مالک آنها نیست (مرتضوی، ۱۳۹۸)؛ در حالی که از شرایط بیع، آن است که مبیع، ملک فروشنده باشد (نجفی، ۱۳۹۲، ص ۳۴۳) و با

۱. خمینی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۶۲۱؛ خویی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۲۷ و ۴۲۸؛ موسوی گلپایگانی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۷۱۷۶؛ روحانی، ۱۴۱۴ق، ص ۸؛ زین‌الدین، بی‌تا، ج ۴، ص ۴۵۳؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۷۲؛ سیستانی، ۱۴۳۱ق، ص ۴۳۲.

نفی ملکیت نسبت به اسپرم، خرید و فروش آن نیز باطل خواهد بود.

پاسخ: اولاً منی از اجزای منفصله انسان به شمار می‌آید که دانشمندان در کتب فقهی خویش به دادوستد این‌گونه از اشیا و معیار صحت آن اشاره نموده‌اند؛ به‌عنوان نمونه، شیخ طوسی (بی‌تا، ج ۳، ص ۱۸۷ و ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۱۶۷)، محقق حلی (۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۱۶) و ... در رابطه فروش شیر انسان که از اجزای منفصله اوست، قائل به صحت آن هستند. همچنین فقهای عامه نیز پیرامون آن سخن رانده‌اند و برخی فروش آن را جایز و برخی حرام می‌دانند (ابن قدامه، ۱۳۸۸ق، ج ۳، ص ۳۰۴؛ ابن مبارک، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۵۴) در عبارات ایشان صحت معامله این اجزا و نیز انکار آن بر مبنای تحقق یا عدم تحقق منفعت حلال می‌باشد. افرادی که این قبیل دادوستد را حرام دانسته‌اند، بدان سبب است که فایده‌تی در اجزای منفصله نمی‌دیده‌اند و فقهایی که حکم به جواز نموده‌اند، به اعتبار منفعت و تحقق مالیت در این اجزا بوده است. چنانچه شیخ طوسی چرایی حرمت خرید و فروش اجزای منفصله مانند ناخن و براق را نداشتن فایده‌ای در آنها اعلام می‌نماید (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۱۶۷). فقهای عامه نیز معیار در این رابطه را برخورداری مبیع از منافع حلال معرفی کرده‌اند (الجزیری، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۲۳۲)؛ مقصود آنکه مالکیت این اجزا در نظر این اندیشمندان، مفروع‌عنه واقع شده است و ایشان تنها به بود و نبود منفعت محله برای صحت مبادله این اشیا اشاره نموده‌اند.

ثانیاً صرف اینکه منی از فضولات بدن انسان محسوب می‌شود، مانع از مالکیت آن توسط صاحبش نمی‌شود. شاهد این مالکیت بنای عاقل بر تسلط فرد بر خود، شئون و توابع او و عدم اجازه دیگران برای مزاحمت با او در این امور است و اگر مالکیت انسان نسبت به این امور پذیرفته نشود، لاقلاً یک نحوه اختصاصی برای آن ثابت است و انسان با رفع ید از حق اختصاص خود، می‌تواند در قبال آن ثمن دریافت کند (خویی، ۱۳۷۵، ص ۲۳۵)؛ همان‌طور که فقها به جای تعبیر از حق مالکیت، از عباراتی مانند حق اولویت یا حق اختصاص پیرامون رابطه انسان با اندام خویش بهره برده‌اند (آقابابایی، ۱۳۸۵، ص ۷۰).

۲-۲. حق هویت کودکان ناشی از دریافت اسپرم بیگانه

هویت جهت دسترسی به اینکه افراد چه ماهیت و شخصیتی دارند، چه تفکر و اندیشه

و باورهایی دارند، تمایلات و آرزوهایشان چیست، چه کارهایی انجام می‌دهند، چه محدودیت‌هایی دارند، چه اعمال و رفتاری دارند و از چه حسب و نسبی برخوردارند، ایفای نقش می‌کند و لازم و ضروری می‌باشد. هویت جزء لاینفک زندگی همه انسان‌ها در همه فرهنگ‌هاست که از لحظه تولد تا مرگ ادامه می‌یابد. می‌توان هویت را این‌گونه تعریف کرد: آنچه باعث شناختن خود از خود، خود از دیگران و دیگران از خود می‌شود (معینی فر، ۱۳۹۱، ص ۱۱۸).

اسلام در بحث حقوق کودک، یکی از نظام‌های پیشرفته حقوقی است. در نظام حقوقی اسلام، پیش از آنکه حقوق والدین و کودکان در تراحم با هم قرار گیرند، به والدین گوشزد می‌نماید که طفل از حقوقی ویژه برخوردار است.^۱ پس والدین نمی‌توانند به صلاح‌دید خود، منافع خویش را بر منافع کودکان خود مقدم دارند.

از جمله مباحث مربوط به حقوق کودک، بحث هویت اوست که اسلام با قوانین ویژه خود مانع از هتک حرمت و تجاوز به این حق شده است.^۲ حق هویت اموری از جمله نسب و اعتراف به آن، تابعیت، حضانت و نیز تحریم روابط نامشروع را در بر می‌گیرد (معینی فر، ۱۳۹۱، ص ۱۳۰). از این میان، مسئله اثبات نسب فرزند به پدر و انکار آن از اهمیت بالاتری برخوردار است و به همین دلیل، احکام زیر درباره نسب تشریح شده است: هرکس کودکی را که در اصل فرزند او نیست، به خودش نسبت دهد، مرتکب حرام شده است (قائمی، ۱۴۳۰ق، ص ۳۸۸). ادعای نسب غیرواقعی حرام است. نفی نسبی که واقعی است، حرام است (همان‌جا). هر کاری که موجب اختلاط نسب شود و نسب واقعی شخص را محو و مخفی نماید، حرام است (همان، ص ۳۹۱). با بیان مقدمه فوق، مناقشه دیگری که در رابطه با تشکیل بانک اسپرم و اهدای آن به زوج‌های نابارور وجود دارد، نادیده‌انگاری حق هویت کودک ناشی از این روش‌ها و نیز اشتباه انساب

۱. به‌عنوان نمونه: مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۱۰، ص ۳۶۹ و ج ۱، ص ۳۸۷ و ج ۹۳، ص ۳۵۷؛ سیوطی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۲۱۴ و ج ۱، ص ۶۱۶؛ ابن زهره، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۸۶؛ عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۳۷۳؛ انصاری، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۸۹-۴۹۱.
 ۲. به‌عنوان نمونه: طوسی، بی‌تا، ج ۹، ص ۳۵۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۵۴؛ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰ق، ج ۸، ص ۱۱۵؛ سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۳۲۹.

خواهد بود؛ چرا که در این تصویر که اسپرم از بانک‌های مخصوص این امر تهیه گردد، پدر طفل، صاحب اسپرم خواهد بود (خامنه‌ای، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۷۰ و ۷۱؛ منتظری، ۱۳۸۱، ص ۴۸۳) و لذا استفاده زوج نابارور از اسپرم‌هایی که در بانک‌های مخصوص این کار تهیه شده، در حالی که اهداکننده آنها معلوم نباشد، منجر به معلوم نبودن نسب کودک در ناحیه پدر می‌شود که از نظر شارع، مبعوض است که خود دلیلی مستقل در عدم جواز استفاده از این شیوه‌ها برای باروری زوجین خواهان فرزند است. شاهد این مبعوضیت روایاتی است که حکمت جعل عده برای زن را اجتناب از مجهول ماندن نسب و اختلاط میاه برمی‌شمارد و نیز روایاتی که از جمله علل حرمت زنا و قذف را از بین رفتن نسب بیان می‌کند (حر عاملی، بی‌تا، ۲۳۴، ۳۹۸، ۴۳۲، ۱۷۴، ۲۵۲). علاوه بر روایات، می‌توان ارتکاز متشرعه را نیز در زمره ادله مبعوضیت اختلاط نسب ذکر نمود؛ چرا که در ارتکاز ایشان، حفظ نسب و معلوم بودن اینکه شخص به چه افرادی منتسب است، از امور لازم و واجب‌الرعايه تلقی می‌گردد و بی‌هویتی شخص به لحاظ انتساب به پدر یا مادر، سبب از بین رفتن آبرو و عرض وی می‌شود. با توجه به سخنان ائمه^(ع) و نیز ارتکاز متشرعه در رابطه با حفظ نسب، می‌توان گفت این امر مورد اهتمام شارع بوده و هر آنچه موجب از بین رفتن آن گردد، حرام و مبعوض شارع است (اعراف، ۱۳۸۸).

پاسخ: برای پاسخ به این مناقشه، ابتدا باید مراحل دریافت اسپرم در بانک‌های اسپرم و مراکز ناباروری توضیح داده شود تا معلوم گردد تا چه میزان، احتمال بی‌هویتی کودک به لحاظ انتساب به پدر یا مادر وجود دارد.

روش‌های کمک‌باروری اغلب با استفاده از تخمک خود زن و اسپرم همسرش انجام می‌گیرد؛ اما در صورتی که مشکلات شدیدی در تخمک یا اسپرم وجود داشته باشد و سلول‌های جنسی فرد به هیچ‌وجه توانایی باروری نداشته باشند، می‌توان از تخمک، اسپرم یا جنین‌های اهدایی برای درمان ناباروری افراد استفاده کرد (نیکزاد، ۱۳۸۴). سوابق فردی و پزشکی فرد اهداکننده از قبل باید تأیید شده باشد. فرد اهداکننده اسپرم نمونه اسپرم را به بانک اسپرم یا مراکز ناباروری تحویل می‌دهد و در اکثر بانک‌های اسپرم یا مراکز ناباروری، مشخصات فرد اهداکننده اسپرم

به صورت ناشناس و محرمانه باقی می ماند (ابراهیمی، ۱۳۹۹). در صورتی که کلیه تست ها و ارزیابی های فرد اهداکننده اسپرم با موفقیت انجام شد، فرد جهت درمان یا مشاوره ارجاع داده خواهد شد و پس از انجام غربالگری های لازم، ضروری است تا فرم رضایت نامه را فرد تکمیل کند و ضمن آن، متعهد شود که هیچ گونه بیماری جنسی یا ژنتیکی ندارد و در صورتی که اسپرم های فرد اهداکننده دارای کیفیت مطابق با استانداردها باشند، فرد مورد نظر به عنوان اهداکننده اسپرم انتخاب می شود (گنجی، بی تا).

پس از آن، معاینه جسمی و آزمایش های متعددی برای اهدای اسپرم در نظر گرفته شده است. آزمایش نمونه مایع منی و خون از اهداکننده اسپرم از مهم ترین آزمایش ها برای اهداکننده است که نتایج حاصل باید در پرونده فرد درج شود تا در زمان اهدای اسپرم، این روند سریع تر طی شود. این آزمایش های مخصوص اهدای اسپرم، بیش از یک بار انجام می شود تا اطمینان حاصل شود که نتایج دقیق اند. آزمایش اول وقتی گرفته می شود که فرد تقاضای اهدای اسپرم دارد. پس از شش ماه و منجمد شدن نمونه ها، آزمایش مجدد نیز انجام می شود. همچنین مایع منی از لحاظ تعداد سلول های اسپرم، تحرک سلول های اسپرم روبه جلو و مورفولوژی طبیعی اسپرم، تجزیه و تحلیل می شود. اهداکننده از نظر بیماری های عفونی مانند ایدز، هپاتیت ب، هپاتیت ث و ... آزمایش می شود. گروه خونی فرد مشخص می شود. آزمایش ژنتیکی برای فیروز کیستیک انجام می شود. علاوه بر آن، متقاضیان قبل از اهدای اسپرم، مراحل غربالگری را دقیق طی می کنند (سوشا، بی تا). غربالگری اهداکنندگان شامل مصاحبه های جامع در مورد رفتارهای جنسی، پیشینه خانواده و دلایل شرکت در برنامه اهدای اسپرم از فرد متقاضی اهدای اسپرم است و نیز درباره تاریخچه گسترده خانوادگی او (در برخی موارد، سه نسل) سؤال می شود و تاریخچه فرد مورد ارزیابی قرار می گیرد. همچنین این غربالگری شامل غربالگری خون، غربالگری نمونه ها، تجزیه و تحلیل ژنتیکی و ارزیابی فیزیکی نیز می باشد (همان جا).

با توضیحات بالا، آشکار می گردد که در استفاده از روش های کمک باروری که مشخصات فردی شخص اهداکننده اسپرم بسیار سخت گیرانه ثبت می شود، احتمال اشتباه شدن نسب و

هویت شخص به لحاظ انتساب به پدر یا مادر بسیار پایین یا شاید غیرممکن در خارج باشد. حتی در فرض بروز اشتباه و معلوم نبودن پدر یا مادر کودک و مشتبه شدن آن میان چند فرد، آزمایش‌های دقیق ژنتیکی معلوم‌کننده هویت کودک خواهد بود.^۱

۳-۲. حرمت استفاده از اسپرم بیگانه

بنابر عللی همچون ناتوانایی و نابارور بودن اسپرم مرد، زن برای آبستنی نیاز به دریافت اسپرم از شخص اجنبی دارد. در این صورت، اسپرم‌ها در محیط آزمایشگاه به رحم زن منتقل می‌شوند؛ در حالی که انجام این عملیات را بسیاری از فقها مردود شناخته، دارای حرمت تکلیفی می‌دانند (سیستانی، ۱۴۳۱ق، ص ۴۳۳). برخی از محققان بر این باورند که رحم زوجه تنها پذیرنده نطفه زوج خود است و نمی‌تواند رحم خود را محلی برای نطفه مرد اجنبی قرار دهد (طباطبایی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۲۵۴) و با وجود نهي از ارتکاب چنین عملی، یکی از مهم‌ترین کارکردهای تشکیل بانک اسپرم ملغاً می‌شود و از بین خواهد رفت.

به منظور پاسخ به مناقشه فوق، مستندات قائلین به حرمت بهره‌گیری از اسپرم بیگانه در

۱. با توجه به اهمیت نسب در حفظ نظام خانواده و ثبات نسل‌ها، اهتمام شارع همواره بر حفظ آن در سایه تقنین بوده است. از این رو، فقه امامیه برای اثبات نسب، دلایل متعددی مانند قاعده فرائش، اقرار، شهادت، استفاضه و ... را تعیین کرده است و حتی در فرض نبودن دلایل قوی‌تر به لحاظ کشف واقع، قائل به قابلیت استناد به ضعیف‌ترین ادله همچون قرعه است. در این میان با توجه به عدم حصری بودن ادله اثبات نسب و نحوه عملکرد شارع در این حوزه، جایگاه روش‌های دقیق علمی چون آزمایش «دی‌ان‌ای» (تجزیه و تحلیل ژن‌های موجود در ژنوم) که از اهم موارد کاربرد آن در علم ژنتیک، اثبات نسب و تعیین رابطه ابوت می‌باشد، روشن می‌شود؛ چرا که با قطعیت و اطمینان بالای آزمایش «دی‌ان‌ای» می‌توان رابطه ابوت را تعیین نمود. درباره این آزمایش‌ها باید گفت که انجام آن نتیجه بالای ۹۹ درصد را به دنبال دارد و برای رسیدن به نتیجه ۱۰۰ درصد لازم است کل مردان جهان مورد آزمایش واقع شوند تا بتوان به نتیجه یقینی دست یافت. با این حال احتمال بالاتر از ۹۹ درصد بیانگر آن است که امکان وجود رابطه بین کودک و شخص مورد نظر دیگری غیر از پدر احتمالی با این مقدار تقریب ژنتیکی تقریباً محال است. در واقع نسبت شباهت «دی‌ان‌ای» کودک با فرد احتمالی و مورد بررسی ۱۰۰ درصد است؛ هرچند در مقایسه با کل افراد جهان، احتمال اینکه «دی‌ان‌ای» فردی در کل جهان به کودک مورد نظر شباهت داشته باشد و بین آنها رابطه وجود داشته باشد، درصدی از آن به‌عنوان احتمال کاسته می‌شود و این میزان احتمال، به اثبات نسب، خللی به قابل اطمینان بودن آزمایش وارد نمی‌کند.

عملیات باروری، نقل و به تفصیل بررسی خواهد شد.

۳. مستندات حرمت بهره‌گیری از اسپرم بیگانه

۳-۱. آیات

آیه اول: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ...» (نور، ۳۱):

به زنان باایمان بگو نگاه خویش را بپوشانند و فرج‌های خود را حفظ کنند.

- تقریب استناد به آیه

در فقرة «يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» متعلق «حفظ» در عبارت بیان نشده، حذف متعلق نیز بر عموم دلالت داشته و لازمه چنین عمومی آن است که زن‌ها باید فروج خود را از هر چیزی محفوظ دارند (مشهدی، ۱۳۶۷، ج ۱۳، ص ۴۳؛ طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۷، ص ۱۷۷)، حفظ از نگاه، لمس، آمیزش و ... گستره اطلاق حفظ شامل مسئله محل بحث که حفظ فرج از نطفه بیگانه است نیز، خواهد بود و لذا بر زن، حفظ فرج از نطفه غیرهمسراش مطلقاً واجب می‌باشد (قزوینی، ۱۳۷۴، ص ۱۷۰). حتی در مواردی که نطفه را با دستگاه‌های آزمایشگاهی داخل فرج می‌کنند (عذراپی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۱).

- بررسی استناد به آیه

اولاً دلالت حذف متعلق بر عموم پشتوانه ندارد و از امور مشهوری است که مبنایی هم ندارد و دلیلی بر وجود چنین ادعایی نیست؛ علاوه بر آنکه در استعمالات عرب، موارد نقض فراوانی برای آن وجود دارد (همدانی، ۱۴۱۶ق، ج ۸، ص ۳۵۷، خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۸۵، صدر، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۸۰، شاهرودی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۱۲۸، فاضل، ۱۳۸۷، ص ۹۰). ثانیاً در این آیه، قطعاً نمی‌توان این چنین عموم و اطلاقی را پذیرفت؛ چرا که اگر گفته شود در این آیه، متعلق حذف شده و این حذف دلیل بر عموم است، معنای آیه این می‌شود که باید چشم را از ابتدا تا آخر عمر، بر همه چیز ببندد. به عبارت دیگر، در آیه که گفته شده است: «يَغْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ»، چون متعلق ذکر نشده و مشخص نیست که این چشم‌پوشی از چیست، پس طبق قاعده، این دلالت بر عموم می‌کند و در نتیجه نباید هیچ‌گاه به هیچ چیزی نگاه کند! در حالی که کاملاً روشن است که این معنا قطعاً مقصود نیست.

ثالثاً در مواردی که متعلق محذوف است، به قرینه مناسبت حکم و موضوع می‌توان متعلق را تشخیص داد. در رابطه با آیه محل بحث نیز، مناسبت حکم و موضوع مقتضی آن است که متعلق حفظ فرج از نگاه، لمس، آمیزش و امثال آن باشد و لذا دلالتی بر حفظ فرج در مورد بحث ندارد (محسنی، ۱۴۲۶ق، ص ۸۹).

رابعاً تمسک به آیه برای حرمت و حفظ فرج از نطفه غیرهمسر، تمسک به عام در شبهه مصداقیه است؛ چرا که حرمت تلقیح مصنوعی با اسپرم بیگانه محل شک می‌باشد و لذا نمی‌توان با استناد به عموم یا اطلاق آیه شریفه، حرمت مورد بحث را ثابت نمود.

خامساً به فرض وجود عموم در آیه مبارکه، باید گفت این آیه نسبت به مواردی که خود زن یا زن دیگری در محیط آزمایشگاه، نطفه اجنبی را در رحمش تزریق می‌کند، ساکت است و ظهور آن شامل این مورد نمی‌شود (نایب‌زاده، ۱۳۸۰، ص ۴۷). در واقع اگر هم مناقشه پیش‌گفته پذیرفته شود، باز مثال نقض دارد و اخص از مدعاست.

سادساً در برخی احادیث که در ذیل تفسیر این آیه بیان شده، امام^(ع) فرموده که در هر آیه‌ای از قرآن که واژه فرج آمده، مراد زناست؛ اما در این آیه، منظور نگاه کردن است.^۱ در این صورت،

۱. روایت اول: قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ: وَ سَأَلَ الصَّادِقُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ بَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ، فَقَالَ كُلُّ مَا كَانَ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنْ ذِكْرِ حِفْظِ الْفَرْجِ فَهُوَ مِنَ الزَّنَا إِلَّا فِي هَذَا الْمَوْضِعِ فَإِنَّهُ لِلْحِفْظِ مِنْ أَنْ يُنْظَرَ إِلَيْهِ (حر عاملی، بی‌تا، ص ۳۰۰). شیخ صدوق می‌گوید: از امام صادق علیه‌السلام درباره این سخن خدای عزوجل پرسیدند که فرمود: «به مؤمنان بگو چشم‌های خود را از نگاه به نامحرمان فروگیرند و دامان خود را حفظ کنند، این برای آنان پاکیزه‌تر است»؛ فرمود: تمامی مواردی که در قرآن از حفظ و نگهداری فرج سخن به میان آمده، منظور خودداری از زناست، جز در اینجا که آیه مربوط به حفظ از نظر کردن به آن است.

روایت دوم: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَمْرِو الرِّبْرِیِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ قَالَ... فَقَالَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ بَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ، أَنْ يَنْظُرُوا إِلَى عَوْرَاتِهِمْ وَ أَنْ يَنْظُرَ الْمَرْءُ إِلَى فَرْجِ أَخِيهِ وَ يَحْفَظَ فَرْجَهُ أَنْ يَنْظَرَ إِلَيْهِ وَ قَالَ: قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ بَعْضُنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ. مِنْ أَنْ تَنْظُرَ إِحْدَاهُنَّ إِلَى فَرْجِ أُخْتِهَا وَ تَحْفَظَ فَرْجَهَا مِنْ أَنْ يَنْظَرَ إِلَيْهَا وَ قَالَ: كُلُّ شَيْءٍ فِي الْقُرْآنِ مِنْ حِفْظِ الْفَرْجِ فَهُوَ مِنَ الزَّنَا إِلَّا هَذِهِ الْآيَةُ فَإِنَّهَا مِنَ النَّظْرِ (حر عاملی، بی‌تا، ص ۱۶۴): خدای تبارک و تعالی فرماید: «به مؤمنان بگو چشم‌های خود را از نگاه به نامحرمان

استدلال به آیه مبارکه صحیح نخواهد بود؛ چرا که در موارد تزریق اسپرم با مصنوعات بشری، هرچند ممکن است نگاه به عورت زن اتفاق افتد، این نگاه اولاً حرام نیست؛ چون فرض آن است که ضرورت، وجود چنین عملی را مباح نموده و ثانیاً چون موضوع بحث جواز یا عدم جواز قرار دادن اسپرم مرد بیگانه در رحم زن می‌باشد و نه نگاه به عورت، آیه مبارکه ارتباطی با محل بحث نخواهد داشت؛ چرا که ممکن است تزریق اسپرم با ایجاد روزنه‌ای در ناحیه شکم انجام پذیرد و نه از طریق محل وطی.

آیه دوم: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ... وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ» (مؤمنون، ۷-۱): بی‌گمان مؤمنان کامیاب‌اند. همانان که در نماز خویش فروتن هستند... و آنان که شرمگاه خویش را حفظ می‌نمایند، جز در رابطه همسر یا ملک یمین که در بهره‌بری از آنان سرزنش نمی‌شوند و کسانی که جز این را طلب کنند، تجاوزگرند.

تقریب استناد به صدر آیه

در ابتدای این آیات می‌فرماید: «والذین هم لفروجهم حافظون»؛ در این آیه نیز، متعلق حفظ فرج حذف شده است و به همان تقریبی که در آیه قبل بیان شد، می‌توان به عموم استناد کرد

فروگیرند و دامان خود را حفظ کنند»، آنها را نهی کرد از اینکه به عورات خود بنگرند یا مردی به شرمگاه برادر خود نگاه کند و باید شرمگاه خود را از نظر دیگران نگهدارد و فرمود: «بگو به زن‌های مؤمن که دیده‌های خود را فروبندند و فرج خود را حفظ کنند» از اینکه به فرج همدیگر نگاه کنند و نیز از اینکه دیگری به فرج آنها نگاه کند، فرمود: هرچه آیه در قرآن درباره حفظ فرج است، منظور از آن حفظ از زناست، جز این آیه که مقصودش حفظ از نگاه است. روایت سوم: حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كُلُّ آيَةٍ فِي الْقُرْآنِ فِي ذِكْرِ الْفُرُوجِ فِيهَا مِنَ الرِّبَا إِلَّا هَذِهِ الْآيَةُ؛ فَإِنَّهَا مِنَ النَّظَرِ، فَلَا يَجِلُّ لِرَجُلٍ مُؤْمِنٍ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى فَرْجِ أَخِيهِ، وَلَا يَجِلُّ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَنْظُرَ إِلَى فَرْجِ اخْتِهَا (قمی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۰۱): امام صادق علیه‌السلام فرمود: هر آیه‌ای در قرآن که در آن صحبت از [حفظ] عورت‌ها شده، مقصود حفظ آنها از زناست، مگر این آیه که مقصود حفظ آنها از نگاه است. بنابراین بر هیچ مرد یا یمانی روا نیست که به عورت برادر خود نگاه کند و بر هیچ زنی نیز حلال نیست که به عورت خواهر خود بنگرد. بر اساس این روایات، آیه مورد استناد مربوط به نگاه است و شامل محل بحث نیست.

و در نتیجه گفت: بر مرد لازم است که از همه امور حرام، حتی تزریق اسپرمش در رحم زن بیگانه به وسیله دستگاه، خودداری نماید.

- تقریب استناد به ذیل آیه

در پایان این آیات، چنین آمده است: «فمن ابتغی وراء ذلک فاولئک هم العادون»؛ در استناد به ذیل، به اطلاق عبارت «وراء ذلک» تمسک می‌شود؛ به این معنا که افرادی که غیر از طریق ازدواج و ملک یمین، شیوه دیگری را اراده کنند، از تجاوزکاران محسوب می‌شوند و روشن است که قرار دادن اسپرم مرد در رحم زن بیگانه از مصادیق «وراء ذلک» است (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۷، ص ۹۶). بدین ترتیب، این شکل از تلقیح مصنوعی که با اسپرم بیگانه انجام می‌شود، تحت شمول آیه خواهد بود و به اثبات می‌رسد که در اختیار قرار دادن نطفه مرد برای افرادی که می‌خواهند آن را به داخل رحم زن بیگانه تزریق نمایند، حرام است (جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۸ق، ص ۱۱۷).

- بررسی استناد به آیه

استناد به این آیه شریفه مورد خدشه است؛ چرا که مقصود از حفظ فرج در این آیه، به قرینه استثنای همسر و کنیز، حفظ آن از زناست و عبارت «ما وراء ذلک» نیز به بهره‌بری نامشروع به شیوه مقاربت جنسی با غیرهمسر و کنیز اشاره دارد؛ چرا که ارتباط مرد با همسر و کنیز خود به شیوه مقاربت و لمس می‌باشد نه به اشکال دیگر. لذا مقصود از «وراء

ذلک» نیز نزدیکی نامشروع از طریق شیوه‌های متعارف است (محسنی، ۱۴۲۶ق، ص ۸۹).

مناقشه: اگرچه در مورد ادخال نطفه اجنبی در رحم، عنوان زنا صادق نیست، در نگاه متشرعه و سیره ایشان، این عمل از جهاتی همانند زناست؛ زیرا در این گونه موارد، عرف متشرعه الغای خصوصیت می‌کند و برای دخول آلت مردانه، موضوعیتی قائل نیست؛ بلکه سبب نهی را مربوط به ورود اسپرم به رحم بدون پیوند ازدواج می‌داند؛ حتی اگر از این طریق فرزندی منعقد نشود (مکارم شیرازی، ۱۳۹۴، ص ۳۱).

پاسخ: اولاً وجود چنین سیره‌ای مشکوک بلکه منتفی است. ثانیاً از آنجا که تلقیح مصنوعی و انواع متنوع آن از موضوعات مستحدثه عصر کنونی است که با توجه به اقتضائات زمانه به

وجود آمده، می‌توان گفت دیدگاه متشرعه امروز هنگامی از حجیت برخوردار است که نظر وی متصل به عصر معصوم^(ع) باشد. در غیر این صورت، بنای ایشان از اعتبار برخوردار نیست (مظفر، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۱۶۱) و حال آنکه این اتصال در مورد این سیره مشاهده نمی‌شود. البته در اخبار وارده، مسائلی مطرح شده که شبیه تلقیح مصنوعی است، مانند مساحقه که نطفه مرد اجنبی از طریق عملی حرام، وارد رحم زن شده است (صیمری بحرانی، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۲۹). بنابراین تنها دلالتی که این احادیث دارند، نهی از شیوه‌های حرام ادخال منی به رحم است، اما اینکه نهادن اسپرم با روش تلقیح مصنوعی در مهبل زن نیز حرام باشد، از این اخبار استنباط نمی‌گردد؛ زیرا تمسک به روایات در این موارد، تمسک به عام در شبهه مصداقیه خواهد بود که مورد انکار اصولیون واقع شده است (مظفر، ۱۳۷۰، ص ۱۳۹).

۲-۳. روایات

روایاتی که برای عدم جواز باروری پزشکی بدان استدلال شده است، دو دسته می‌باشند.

دسته اول: روایات حرمت قرار دادن نطفه بیگانه در رحم

در روایتی امام صادق^(ع) می‌فرماید: سخت‌ترین عذاب را در روز قیامت، آن مردی دارد که نطفه خود را در رحمی که بر وی حرام است، جای دهد (عاملی، بی‌تا، ص ۳۱۷) و نیز شیخ صدوق به صورت مرسله نقل می‌کند که پیامبر^(ص) فرمود: آدمیزاد هیچ کاری (گناهی) نکرده که نزد خداوند تبارک و تعالی، سنگین‌تر از این باشد که پیامبری یا امامی را بگشاید یا کعبه را که خداوند قبله بندگان خود قرار داده است، ویران کند یا به حرام، آبش را در زحم زنی بریزد (حر عاملی، بی‌تا، ص ۳۱۸). در نقلی دیگر، اسحاق بن عمار نقل می‌نماید: به امام صادق^(ع) عرض کردم: زنا زشت‌تر است یا شرب می و چرا شراب‌خواری سبب هشتاد تازیانه است، اما فجور صد تازیانه؟ حضرت فرمود: یا اسحاق! حد یکسان است؛ اما حد زنا به این دلیل بیشتر است که نطفه را ضایع می‌کند و از بین می‌برد و آن را در غیر مکانی که خداوند فرمان داده است، قرار می‌دهد (حر عاملی، بی‌تا، ص ۳۵۲). همچنین در روایتی دیگر، رسول خدا^(ص) فرمود: هیچ گناهی نزد خدای تبارک و تعالی بعد از شرک، بزرگ‌تر از نطفه‌ای نیست که به حرام در رحم زنی که برایش حلال نیست، قرار داده شود (نوری، ۱۳۶۸، ص ۳۳۵). مطابق نقلی نیز،

رسول خدا(ص) در حدیثی فرمود: سخت‌ترین عذاب را در روز قیامت، کسی دارد که نطفه‌ای را در رحمی که بر وی حرام است، جای دهد (نوری، ۱۳۶۸، ص ۳۳۶).

تقریب استناد به روایات دسته اول

اولاً مقصود از نطفه همان صورت ترکیب‌شده منی مرد و تخمک زن است (مؤمن، ۱۴۱۵ق، ص ۸۴) و لذا شامل مواردی که اسپرم مرد با تخمک زن آمیخته شود و در رحم بیگانه قرار گیرد نیز، می‌شود. ثانیاً استقرار نطفه در رحم زن بیگانه که محکوم به شدت عذاب است، اطلاق دارد و مواردی را که استقرار نطفه با دستگاه‌های آزمایشگاهی نیز صورت می‌پذیرد، در بر می‌گیرد (قزوینی، ۱۳۸۷). به عبارت دیگر، فرض روایت تنها شامل زنا و مقاربت نیست؛ بلکه ملاک حرمت و معصیت قرار دادن نطفه در رحم بیگانه است و لذا گستره روایت فوق، انواع و صور تلقیح مصنوعی را در بر گرفته، بر حرمت این عمل دلالت می‌کند. قائلین به حرمت تلقیح مصنوعی با اسپرم بیگانه، به فقره «أفرغ ماء فی امرأه حراماً» استناد نموده‌اند. این عده می‌گویند: واژه «أفرغ» در خبر، مطلق است و هر نوع ورود اسپرم مرد بیگانه به رحم زن را شامل می‌شود؛ خواه به نحو مقاربت باشد و خواه با دستگاه‌های آزمایشگاهی این عمل انجام پذیرد (ری‌شهری، ۱۳۹۸).

ارزیابی استناد به روایات دسته اول

اولاً از نظر برخی صاحب‌نظران در قرآن، کلمه «نطفه» با «أمشاج» به معنای ترکیب‌شده، توصیف شده است: ﴿مِنْ نُّطْفَةٍ أَمْشَاجٍ﴾ (انسان، ۲). لذا این کلمه به منی، قبل از تلقیح اطلاق می‌شود نه پس از آن. در همین روایت نیز، «نطفه» به «مرد» استناد داده شده است؛ همان‌طور که در عبارت آمده است: رَجُلًا أَقْرَ نُطْفَتَهُ و درک عرف از این کلمات، تلقیح و حاصل از اسپرم و تخمک زن و مرد نیست (ری‌شهری، ۹۸).

ثانیاً در روایات فوق‌الذکر، استقرار به مرد نسبت داده شده است و لذا اگر اطلاق خبر را هم بپذیریم و آن را به مباشرت و مقاربت مقید نماییم، همچنان نمی‌توان در رابطه با مواردی که مرد اطلاعی از انجام این عملیات ندارد یا در موردی که خود زن یا خانوم دیگری به انجام این

عمل مبادرت نموده است، معتقد به اطلاق روایت شد و آن را پذیرفت (همان‌جا).
 ثالثاً احتمال دارد روایت برای استقرار ناشی از آمیزش و مقاربت، خصوصیتی قائل باشد و این فرض میان گوینده و مخاطب مفروغ واقع شده است و همین احتمال اگرچه در حد ظهور نباشد، سبب می‌گردد نتوانیم اطلاق و معیار کلی از این روایت استنباط نماییم (جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۸ق، ج ۳، ص ۱۲۱)؛ چرا که این احتمال سبب منتفی شدن ظن مخاطب نسبت به ظهور اطلاق کلام است و آن را از حجیت ساقط می‌نماید (مظفر، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۴۹۵) و اساساً عرف از عبارت یادشده، چنین اطلاقی را درک نمی‌کند و همان افراغ به نحو معمول و از طریق وطی را برداشت می‌نماید.

رابعاً در برخی روایات مذکور، افراغ مقید به قید «حراماً» شده و با وجود این قید نمی‌توان تلقیح مصنوعی با اسپرم بیگانه را منهی و حرام دانست؛ زیرا حرمت چنین عملی مشکوک است و نمی‌توان با تمسک به این روایت؛ حرمت آن را اثبات نمود؛ چرا که تمسک به روایت برای اثبات حرمت، تمسک به عام در شبهه مصداقیه خواهد بود که مورد پذیرش علمای اصول نیست (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۷، ص ۸۲).

دسته دوم: روایات حکمت زنا

از جمله ادله‌ای که در مقام استدلال بر حرمت باروری پزشکی بدان استناد شده، روایاتی است که حکمت تحریم زنا را بیان کرده‌اند. در زیر به دو نمونه از آنها اشاره می‌گردد.
 ابومنصور طبرسی به صورت مرسل از امام صادق^(ع) نقل کرده است: شخص زندیقی از ایشان پرسید: چرا خدا فجور را حرام کرده است؟ حضرت^(ع) فرمود: چون سبب فساد و نابودی ارث و میراث و گسستگی نسل است. در فحشا، زن آگاه نیست که چه شخصی او را حامله کرده است و فرزند نمی‌داند پدرش کیست؛ نه نسب‌ها پیوسته است و نه خویشاوندی‌ها معلوم است (حر عاملی، بی‌تا، ص ۳۳۲).

نیز «محمد بن سنان» از امام رضا^(ع) طبق نامه‌ای که در جواب سؤالاتش دریافت کرده بود، روایت کرده است که فرمود: خداوند زنا را به خاطر مفاسدی که در بر دارد، مانند قتل نفس

(سقط جنین)، از بین رفتن و مخدوش شدن اصل و نسب، ترک تربیت کودکان، تباه شدن موضوع ارث و میراث و ...، حرام نموده است (حر عاملی، بی تا، ص ۳۱۱).
 برخی از مفاسد و مشکلاتی که در این روایات برای تحریم زنا برشمرده شده است، در تلقیح مصنوعی نیز وجود دارد؛ مثلاً «فساد الموارث» یا نامعلوم بودن پدر در صورتی که معلوم نباشد منی متعلق به کیست، خصوصاً در مواردی که اسپرم مرد از بانک اسپرم گرفته می شود و اصلاً معلوم نیست پدر این فرزند کیست. بنابراین تلقیح مصنوعی نیز مطابق این حدیث و علت حرمت فحشا که در آن به صراحت آمده است، دارای حرمت خواهد بود (مؤمن قمی، ۱۴۱۵ق، ص ۸۷).

ارزیابی استناد به روایات دسته دوم

به نظر، استناد به روایات فوق نیز صحیح نیست؛ زیرا اولاً ممکن است هر یک از این موارد به تنهایی علت تحریم نباشد؛ بلکه مجموع آنها علت باشد؛ چرا که در روایت دوم، عبارت «ما اشبه ذلک» آمده بود (ری شهری، ۱۳۹۸). ثانیاً این موارد، حکمت هستند نه علت تامه؛ زیرا مثلاً قتل نفس در بسیاری از موارد زنا وجود ندارد. ثالثاً حکمت در صورتی می تواند حکم را تعمیم دهد که در واقع، همه مصالح را بیان کرده باشد و با توجه به اینکه احراز این معنا ممکن نیست، حکم تحریم را نمی توان به مورد بحث تعمیم داد (جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۸ق، ص ۱۲۹).

د. تزریق اسپرم بعد از وفات

از دیگر مناقشاتی که در تشکیل بانک اسپرم وجود دارد، ذخیره سازی اسپرم شخص و بهره گیری از آن برای باروری همسرش بعد از وفات وی می باشد. اندوختن اسپرم و انجماد آن در زمان حیات و هنگام وجود علقه زوجیت و بهره گیری از آن برای آبستنی زن پس از وفات صاحب اسپرم جایز نیست؛ چرا که رابطه زوجیت میان صاحب اسپرم و همسر او با وفات یکی از طرفین عقد، از بین می رود (حکیم، بی تا، ج ۴، ص ۸۵؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۶۴) و با نبود هیچ گونه رابطه محرمیتی میان دو طرف، تزریق اسپرم شوهر سابق در رحم زن جایز نخواهد بود (طباطبایی سید حکیم، ۱۴۲۰ق، ص ۵۰، فضل الله، ۱۴۱۶ق، ص ۲۷۰).

پاسخ: انقطاع زوجیت با وفات یکی از طرفین عقد حکمی است که در آن، دو دیدگاه کلی وجود دارد. برخی از فقها همچون سید محسن حکیم (بی تا، ص ۸۵) قائل به نفی رابطه زوجیت و برخی مانند صاحب جواهر (نجفی، ۱۳۹۲، ج ۴، ص ۵۳) و مرحوم خوئی (به نقل از غروی، ۱۳۷۷، ص ۱۲۲) تصریح به بقای زوجیت بعد از وفات یکی از طرفین عقد نموده‌اند. لذا نمی‌توان به استناد حکمی که مورد اختلاف فقهاست، از شکل‌گیری بانک اسپرم که منافع بسیاری را در عصر کنونی به همراه دارد، ممانعت نمود.

یافته‌های پژوهش

مواجهه فقیه با تشکیل و فعالیت بانک‌های اسپرم سبب برانگیخته شدن مناقشات فقهی فراوانی گردیده است؛ از جمله آنکه خرید و فروش اسپرم به جهت نجاست، عدم مالیت، نداشتن منفعت محلله و نیز از آن جهت که از فضولات انسانی است، قابلیت بیع را ندارد و اخذ ثمن در مقابل آن حرام می‌باشد. علاوه بر این، اهدای اسپرم بیگانه به زوج‌های نابارور موجب تزییع حق هویت و از بین رفتن نسب کودکان متولد از این اسپرم‌هاست؛ همان‌طور که ذخیره‌سازی اسپرم و تزریق آن به رحم بیگانه یا تزریق آن به رحم همسر بعد از وفات صاحب اسپرم، با اصول و قواعد حاکم در فقه شیعه سازگاری ندارد.

در پاسخ به ایرادات فوق باید گفت که اولاً مجرد اینکه مبیع از اعیان نجس باشد، سبب فساد دادوستد نیست و نجاست به‌خودی‌خود مانع صحت معامله نمی‌گردد؛ بلکه صحت آن دایره مدار وجود منفعت عقلایی محلل است. ثانیاً حکم شارع به نجاست برخی اشیا ملازم با خروج آنها از مالیت عرفیه نیست؛ همان‌طور که اعتبار مالیت به ارزش آن نزد تمام عقلا نیست، بلکه مالیت آن نزد متبایعین سبب اعتبار و صحت معامله است. ثالثاً برخی استفاده از اسپرم را برای تزریق در رحم زن بیگانه جایز می‌شمارند. در چنین حالتی و با فرض منفعت محلله عقلایی، خرید و فروش آن برای هر یک از زوجین جایز است. رابعاً صرف اینکه منی از فضولات بدن انسان محسوب می‌شود، مانع از مالکیت آن توسط صاحبش نمی‌شود و اگر مالکیت انسان نسبت به این امور پذیرفته نشود، لااقل یک نحوه اختصاصی برای آن ثابت است و انسان با

رفع ید از حق اختصاص خود، می‌تواند در قبال آن ثمن دریافت کند. خامساً در استفاده از روش‌های کمک باروری که مشخصات فردی شخص اهداکننده اسپرم بسیار سخت‌گیرانه ثبت می‌شود، احتمال اشتباه شدن نسب و هویت شخص به‌لحاظ انتساب به پدر، بسیار پایین یا شاید غیرمحقق در خارج باشد و حتی در فرض بروز اشتباه و معلوم نبودن پدر و مشتبه شدن آن میان چند فرد، آزمایش‌های دقیق ژنتیکی معلوم‌کننده هویت کودک خواهد بود. سادساً تمامی مستندات فقهایی که تزریق اسپرم بیگانه در رحم زن را جایز ندانسته‌اند، مخدوش است و قابل استناد نمی‌باشد. سابقاً در مورد تزریق اسپرم به رحم همسر بعد از وفات صاحب اسپرم، دو دیدگاه کلی وجود دارد که به تصریح برخی فقها، انجام این عمل جایز می‌باشد. لذا نمی‌توان به استناد حکمی که مورد اختلاف فقهاست، از شکل‌گیری بانک اسپرم که منافع بسیاری را در عصر کنونی به همراه دارد، ممانعت کرد.

منابع

- آسا، الهام؛ احمدی، رحیم؛ محمودی، مینو و محمدنیا، عبدالرضا (۱۳۹۹). «بررسی اثرات آسیب‌زای فرایند انجماد بر ویژگی‌های عملکردی و مولکولی اسپرم مردان نابارور دچار آستنوتراتوزواسپریمیا». *مجله دانشگاه علوم پزشکی قم*، ۱۴(۳)، ص ۶۴-۷۳.
- آقابابایی، اسماعیل (۱۳۸۵). *پیوند اعضا از بیماران فوت‌شده و مرگ مغزی*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- ابراهیمی، حبیب (۱۳۹۹). «اسپرم اهدایی؛ درصد موفقیت، روش انتقال و شرایط». مندرج در سایت رادینا سلامت به نشانی <https://raadinahealth.com/fa/blog/using-a-sperm-donor>
- ابن زهره، حمزه بن علی (۱۷۴۱ق). *غنیة النزوع الی علمی الاصول و الفروع*. قم: مؤسسه الامام الصادق(ع).
- ابن عابدین، محمدامین (۱۴۲۳ق). *حاشیه ردالمحتار علی الدر المختار*. ریاض: دار عالم الکتب.
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد (۱۳۸۸ق). *مغنی*. قاهره: مکتبه القاهره.
- ابن مبارک، عبدالله (بی‌تا). *نظریه الضروره الشرعیه*. بی‌جا: بی‌نا.
- ابوحنیفه اندلسی، محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق). *البحر المحیط فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار الفکر.
- اردبیلی، احمد بن محمد (۱۳۷۹). *مجمع الفائده و البرهان*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- انصاری، مرتضی بن محمدامین (۱۳۷۵). *کتاب المتاجر*. تبریز: بی‌نا.
- _____ (۱۳۹۲). *مکاسب محرمه*، جلد ۱ و ۲. قم: دار الحکمه.

- _____ (بی تا). کتاب النکاح. قم: تراث الشيخ الأعظم.
- ایروانی، علی (۱۳۸۴). حاشیه مکاسب. تهران: کیا.
- بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵ق). حقائق الناصره. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- الجزیری، عبدالرحمان (۱۴۲۴ق). الفقه علی المذاهب الأربعة. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جمعی از نویسندگان (۱۴۲۸ق). حاشیه موسوعه احکام الاطفال و ادکتها، جلد ۳. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار^(ع).
- حر عاملی، محمد بن الحسن (بی تا). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام لإحیاء التراث.
- حسنی شیرازی، سید محمد (بی تا). المسائل الاسلامیه. انتشارات مؤسسه فکر اسلامی.
- حسینی عاملی، محمد بن جواد (بی تا). مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حکیم، محسن (بی تا). نهج الفقاهه قم: انتشارات ۲۲ بهمن.
- _____ (بی تا). مستمسک العروه الوثقی، جلد ۴. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- _____ (بی تا). منهاج الصالحین. تعلیق سید محمدباقر صدر. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۰ق). نهایه الاحکام. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- حلّی (محقق)، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۴۰۰). اجوبه الإستفتائات. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- خزائی، احمدرضا (۱۴۰۰). «مبانی معامله خون در اندیشه فقهای امامیه». فصلنامه پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، ۱۷(۶۸)، ص ۱۴۲-۱۵۸.
- خویی، ابوالقاسم (۱۳۷۵). مصباح الفقاهه، جلد ۱ و ۲. قم: مؤسسه انصاریان.
- _____ (۱۳۹۰). معجم الرجال، جلد ۱۳. قم: مرکز نشر الثقافه الاسلامیه فی العالم.
- _____ (بی تا). منهاج الصالحین. مؤسسه الخوئی الإسلامیه.
- رضایی، حلیمه (۱۳۹۹). «نگاهی گذرا بر ناباروری و شیوه‌های نوین درمان». فصلنامه آزمایشگاه و تشخیص، ۱۲(۴)، ص ۴۶-۵۳.
- روحانی، سید صادق (۱۳۹۲). فقه الصادق (ع). قم: آیین دانش.
- _____ (۱۴۱۴ق). المسائل المستحلته. قم: مؤسسه دار الکتاب.
- زین‌الدین، محمدامین (بی تا). کلمه التقوی. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- سمرقندی، نصر بن محمد (۱۴۱۶ق). تفسیر بحر العلوم. بیروت: بی جا.
- سایت دکتر سوشا (۱۴۰۱). «اهدای اسپرم: نحوه اهدای اسپرم از ابتدا تا انتها». مجله اینترنتی پزشکی و سلامت، مندرج در سایت <https://www.drsosha.com>

- سيستاني، سيد علي (۱۴۳۱ق). الفتاوى الميسره. قم: دار الزهراء(س).
- سيوطي، عبدالرحمان بن ابي بكر (۱۴۲۹ق). الجامع الصغير في احاديث البشير النذير. بيروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع.
- شافعي پور، ايوب (۱۳۹۶). «مطالعة تطبيقية بيع اسپرم در فقه مذاهب اسلامي». مباني فقهية حقوق اسلامي، ۱۰(۱۹)، ص ۹۶۷-۹۴۱.
- صافي گلپايگاني، لطف الله (۱۴۱۴ق). توضيح المسائل. قم: القرآن الكريم.
- صيمري بحراني، مفلح (بي تا). غايه المرام. قم: دار الهادي.
- طباطبائي، سيد تقى (بي تا). مباني منهاج الصالحين. قم: منشورات قلم الشرق.
- طباطبائي سيد حكيم، محمد سعيد (۱۴۲۰ق). فقه الاستنساخ البشري و فتاوى الطبيه. بي جا: بي نا.
- طباطبائي يزدي، محمد كاظم (۱۴۲۰ق). حاشيه المكاسب. قم: مؤسسه اسماعيليان.
- طبرسي، فضل بن حسن (۱۴۱۵ق). مجمع البيان. بيروت: مؤسسه الأعلمي للمطبوعات.
- طوسي، محمد بن حسن (بي تا). التبيان في تفسير القرآن. بيروت: احياء التراث العربي.
- _____ (۱۳۸۷ق). المبسوط. قم: المكتبه المرتضويه لإحياء الآثار الجعفريه.
- _____ (بي تا). الخلاف. مؤسسه النشر الإسلامى.
- عاملى (شهيد ثاني)، زين الدين بن علي (۱۴۱۹ق). مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام. قم: مؤسسه المعارف الاسلاميه.
- عذارى، سعيد كاظم (۱۳۸۸). التلقيح الصناعى بين العلم و الشريعه. قم: مركز بين المللى ترجمه و نشر المصطفى.
- علم الهدى، سيد مرتضى (۱۴۱۵ق). الانتصار. قم: انتشارات اسلامى.
- غروى، على (۱۳۷۷). التلقيح في شرح العروه الوثقى، جلد ۸. قم: مؤسسه احياء آثار امام خويى.
- فاضل، محمد جواد (۱۳۸۷). بررسى فقهية تلقيح مصنوعى. قم: مركز فقهية ائمه اطهار^(ع).
- _____ (۱۳۹۶). مكاسب محرمة، جلد ۲. قم: مركز فقهية ائمه اطهار^(ع).
- فاضل لنكراني، محمد (۱۳۸۳). جامع المسائل، جلد ۱. قم: امير.
- فضل الله، محمد حسين (۱۴۱۶ق). المسائل الفقيهيه. بيروت: دار الاعتصام.
- فيض كاشاني، ملا محسن (۱۴۱۶ق). تفسير الصافى. قم: مؤسسه الهادى.
- قاننى، محمد (۱۴۳۰ق). المبسوط مسائل طبيه، جلد ۱. قم: مركز فقهية ائمه اطهار^(ع).
- قزوينى، سيد علي (۱۳۷۴). «آثار حقوقى تلقيح مصنوعى». نشریه نامه مفيد، ۱(۳)، ص ۱۶۵-۱۹۶.

- قلمیری، نادر، تأثیر درمان سرطان بر باروری مردان، ترجمه مقاله از انجمن سرطان آمریکا: <https://cnin.ir/Cancer-Treatment.aspx?302>
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق). تفسیر قمی، جلد ۲. قم: دارالکتاب.
- کاسانی، ابوبکر بن مسعود (۱۴۰۶ق). *بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع*. قم: دارالکتب العلمیه.
- گلپایگانی، سید محمدرضا (۱۴۰۹ق). *مجمع المسائل*. قم: دارالقرآن الکریم.
- مامقانی، محمدحسن (بی تا). *غایه الآمال فی شرح کتاب مکاسب*. قم: مجمع الذخائر الإسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۶). *بحار الانوار*. تهران: اسلامیه.
- محسنی، محمدآصف (۱۴۲۶ق). *الفقه و المسائل الطبیه*. قم: بوستان کتاب.
- _____ (بی تا). *الفقه و المسائل الطبیه*. تهران: یاران.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۰۶ق). *قواعد فقهی*. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- جمیل، محمد بن مبارک (بی تا). *نظریه الضروره الشرعیه*، بیروت: دارالوفاء للطباعه و النشر.
- مرتضوی، محسن و نوروزی، مجتبی (۱۳۹۸). «نگهداری اسپرم و بهره‌برداری از آن در فقه امامیه». *مجله فقه پزشکی*، ۱۱ (۳۸ و ۳۹)، ص ۲۰-۷.
- مشهدی، میرزا محمد (۱۳۶۷). *کنز الدقائق*. وزارت الثقافه و الإرشاد الإسلامی. تهران: مؤسسه الطبع و النشر.
- مظفر، محمدرضا (۱۳۷۰). *اصول الفقه*. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- معینی فر، محدثه (۱۳۹۱). «بررسی حق کودک بر هویت در اسلام و اسناد بین‌المللی». *نشریه فقه و حقوق خانواده*، ۱۷ (۵۶)، ص ۱۱۷-۱۴۲.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۴). *مشکلات مهم تلقیح مصنوعی*. قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع).
- مکی (شهید اول)، محمد (۱۴۱۱ق). *اللمعه الدمشقیه*. به کوشش علی کورانی. قم: بی نا.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۶۸). *تحریر الوسیله*، جلد ۱. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- _____ (۱۳۷۳). *مکاسب*. جلد ۱. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- _____ (۱۳۹۱). *توضیح المسائل*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- _____ (۱۴۲۱ق). *کتاب البیع*، جلد ۳. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- منتظری، حسینعلی (۱۴۱۵ق). *دراسات فی مکاسب*. قم: تفکر.
- _____ (۱۳۸۱). *توضیح المسائل*. تهران: انتشارات سرایی.
- موسوی گلپایگانی، سید محمدرضا (۱۴۰۹ق). *مجمع المسائل*. قم: دارالقرآن الکریم.
- مؤمن، محمد (۱۴۱۵ق). *کلمات سدیده فی مسائل جدیده*. قم: جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه.
- نایب‌زاده، عباس (۱۳۸۰). *بررسی حقوقی روش‌های نوین باروری مصنوعی*. تهران: مجله.

- نائینی، محمدحسین (۱۳۷۳). منیه الطالب، جلد ۱. تهران: المكتبة المحمدیه.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۹۲). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، جلد ۲۲. تهران: اسلامیه.
- نصر اصفهانی، محمدحسین (۱۳۹۶). «تازه‌های فریز اسپرم انسانی در درمان ناباروری». نشریه سلول و بافت، ۸(۴)، ص ۳۳۲-۳۵۳.
- نوری، حسین (۱۳۶۸). مستدرک الوسائل، جلد ۱۴. قم: مؤسسه آل‌البیت(ع).
- نیکزاد، عباس (۱۳۸۴). «بررسی احکام تکلیفی اهدای گامت». مجله علوم پزشکی بابل، ۸(۵)، ص ۱۱۱-۱۱۹.
- وحید خراسانی، حسین (۱۴۲۱ق). توضیح المسائل. قم: مدرسه باقرالعلوم علیه‌السلام.
- یزدی، محمد (۱۳۷۷). ثلاث رسائل فقهیه. قم: پیام مهدی.

